



عوامل ساده‌نویسی در متون مصور دوران قاجار با تأکید بر آثار طالبوف تبریزی

سید حسن فاضلی^۱ ID، رضا صادقی شهپر^۲ ID

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران hfazeli.16@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران sciencegroup1988@yahoo.com

چکیده

عصر قاجار به لحاظ چاپ و نشر آثار مصور و تجلی تصویر در معماری، نقاشی، موسیقی، نگارگری، تذهیب و غیره، عصر ویژه‌ای است. ادبیات نیز محمل مناسبی برای این موضوع است؛ اما وقتی زبان، موضوع بحث سبک‌شناسانه باشد، بهره بردن شاعر و نویسنده از صور خیال و صنایعی مانند استعاره، تشبیه و مجاز، نوعی نگارگری در کلام است و طالبوف از این منظر، نویسنده تصویرگری محسوب می‌شود. طالبوف تبریزی از نویسندگان و روشنفکران ایرانی مهاجر به قفقاز است که با نگارش آثار ادبی و سیاسی خود، سهم زیادی در روشنگری و گسترش اندیشه‌های نوین ادبی و سیاسی در بین ایرانیان دارد. او در آثارش ضمن بحث درباره مسائل علمی جدید و سیاست و آزادی و قانون، لزوم ساده‌نویسی و رهایی از عبارت‌پردازی‌ها و تکلفات پیشین را در نشر گوشزد می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. بررسی‌ها نشان داد که در سطح زبانی، ترجمه لفظ به لفظ اصطلاحات و عبارات ترکی به فارسی، استفاده از کلمات خارجی با تلفظ روسی یا ترکی، مطابقت صفت با موصوف به سیاق زبان عربی، کاربرد ضمیر «او» برای غیر انسان و استفاده از «به» در معنی «برای» بسامد زیادی در آثار طالبوف دارند. در سطح ادبی نیز اقتباس و استشهاد به آیات و اشعار و بهره‌گیری از ضرب‌المثل برای تبیین موضوع، ویژگی اصلی آثار وی هستند.

اهداف پژوهش

۱. بررسی ویژگی‌های سبکی آثار طالبوف در دو سطح زبانی و ادبی است.
۲. بررسی عوامل ساده‌نویسی در متون مصور دوره قاجار.

سوالات پژوهش

۱. آثار ادبی طالبوف تبریزی دارای چه ویژگی‌های زبانی و ادبی است؟
۲. چه عواملی در ساده‌نویسی متون مصور دوره قاجار نقش داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۴

دوره ۱۸

صفحه ۳۴۲ الی ۳۶۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

تصویرگری، متون مصور، طالبوف تبریزی، سبک‌شناسی.

ارجاع به این مقاله

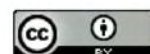
فاضلی، سید حسن، صادقی شهپر، رضا. (۱۴۰۰). عوامل ساده نویسی در متون مصور دوران قاجار با تأکید بر آثار طالبوف تبریزی. هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۳۴۲-۳۶۰.



[dori.net/dor/20.1001.1](https://doi.org/10.22034/IAS.1,1735708.1400,18,44,8,3)
[1,1735708.1400,18,44,8,3](https://doi.org/10.22034/IAS.1,1735708.1400,18,44,8,3)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.1,1735708.1400,18,44,8,3)
[1,1735708.1400,18,44,8,3](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.1,1735708.1400,18,44,8,3)





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دوره قاجار از بسیاری جهات و در بسیاری از حوزه‌ها، دوره پیشرو و پویایی است که دلایل متعددی دارد. این مقاله، با توجه به موضوعی که دارد، دنبال تشریح این مورد نیست. فقط به همین حد از اشاره بسنده می‌کند که شرایط جهانی عصر مورد بحث، تغییر را می‌طلبید و اعزام دانشجویان به خارج از کشور و رواج صنعت ترجمه و چاپ، در راستای پیروی از شرایط پیش‌رونده دنیا بود. در این بین، تحول در حوزه چاپ و نشر کتاب، چنان‌که اشاره خواهد شد، یکی از نمودهای این تغییرات است که با رواج چاپ سنگی، عملاً انقلابی در زمینه تصویرگری اتفاق می‌افتد. به اعتقاد پژوهشگران با انتشارات کتاب‌های چاپ سنگی در دوران قاجار، زندگی دوباره مصورسازی کتب ایرانی آغاز شد. به‌رغم اینکه مصورسازی کتاب‌های چاپ سنگی از نظر کیفیت تفاوت‌های قابل توجهی با نگارگری قدیم ایران داشت، اما با ادامه یافتن برخی سنت‌های کتاب‌آرایی و تأثیرپذیرفتن از هنر عامیانه و تأثیر متقابل بر آن برخی سنت‌های کتاب‌آرایی ایران در شکل و محتوایی متفاوت مجدداً احیا شد. این تحول راه را برای چاپ آثار منثور این دوره که رفته‌رفته مشق ساده‌نویسی می‌کرد، گشود.

با وجود پدید آمدن نهضت ادبی بازگشت در شعر عهد قاجار، این جنبش و تحول در نثر، هم دیرتر شروع شد، هم تدریجی و کند بود. نثر این دوره با وجود برخی اصلاحات که قائم مقام فراهانی در نثرنویسی به وجود آورد، تقریباً تا اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه به همان سبک و سیاق پیشین است و نویسندگان و دبیران به عبارت‌پردازی و سجع‌سازی مشغول‌اند. در نیمه دوم قرن سیزدهم و عهد ناصری نمونه بارز ساده‌نویسی را در آثاری چون ترجمه هزار و یک شب (۱۲۵۹ هـ.ق) عبداللطیف طسوجی و کتاب کشف‌الغرائب یا رساله‌ مجدییه (۱۲۸۷ هـ.ق) اثر حاج میرزا محمدخان سینکی ملقب به مجدالملک، می‌بینیم. در دوره بیداری و سال‌های مقارن مشروطه عوامل متعددی باعث شتاب گرفتن ساده‌نویسی و تحول نثر فارسی شد. تأسیس دارالفنون نه تنها در محیط خود باعث پدید آمدن کتب علمی ترجمه شده از زبان‌های اروپایی شد؛ بلکه در پرتو آن در خارج از محیط دارالفنون نیز کتاب‌ها و داستان‌های بسیاری ترجمه و چاپ شد و مترجمان خواه‌ناخواه از سادگی متون اصلی تبعیت کردند. از طرف دیگر تأسیس چاپخانه و چاپ روزنامه‌ها و مجلات باعث ساده‌تر شدن نثر فارسی در اثر تماس آن با ادبیات خارجی در جراید شد و نیز کوشش‌های نویسندگان ایرانی مقیم خارج برای پیراستن زبان از الفاظ و ترکیبات دشوار و تأکید بر ساده‌نویسی با پدید آوردن نخستین داستان‌ها و رمان‌های فارسی نتیجه داد و سبک نویسندگی منشیانه و پرتکلف قدیم، جای خود را به نثر ساده و روان داد. در دوره بیداری، اندیشه‌های نوین و پیشرو اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر آشنایی نویسندگان و روشنفکران ایرانی با ادبیات روس، ترک و اروپا در میان ایرانیان نفوذ و گسترش یافت. میرزا فتحعلی آخوندزاده، طالبوف تبریزی، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا حبیب اصفهانی از جمله روشنفکران و نویسندگان ایرانی مهاجر به تفلیس و استانبول بودند که در گسترش اندیشه‌های نوین سیاسی و ادبی در میان ایرانیان و پیدایش نهضت مشروطه سهم زیادی داشتند. آزادی، قانون، وطن‌خواهی، علوم جدید و تعلیم و تربیت نوین، حقوق زن، اندیشه‌ی تغییر و اصلاح خط فارسی، لزوم ساده‌نویسی در نثر فارسی، نقد ادبیات قدیم و تشویق به روی آوردن به رمان و درام، انتقاد از وضع سیاسی و اجتماعی جامعه از جمله مسائلی است که با زبان و نثری ساده در آثار نویسندگان این دوره از جمله طالبوف تبریزی بازتاب یافته است.

به قول منتقدی نخستین ایرانیان رمان‌نویس که روشنفکران و تاجران مهاجر (طالبوف، آخوندزاده، مراغه‌ای) یا تبعیدی‌های سیاسی (میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی) بودند، با درک فرهنگ و ادبیات مترقی ملل دیگر و انواع ادبی جدید، از راه ادبیات فرانسه و روسیه، ادبیاتی را پدید می‌آورند که مهم‌ترین ویژگی آن نقد سنت ادبی گذشته و ستیز با مغلق‌گویی و ایجاد ادبیاتی سیاسی است که به کار بیداری مردم بیاید.

طالبوف تبریزی در رمان *مسالک‌المحسنین* که سفرنامه‌ای خیالی از سفر گروهی علمی به قله دماوند و حاوی اندیشه‌های فلسفی و انتقاد اجتماعی است، به انتقاد از ناتوانی حکومت استبدادی، نابسامانی اوضاع و عقب‌ماندگی و فقر مردم می‌پردازد. در کتاب *ایضاحات در خصوص آزادی* از معنی آزادی و مجلس شورای ملی و قانون بحث می‌کند. طالبوف در دو کتاب *سفینه طالبی* یا *کتاب احمد و مسائل الحیات* نیز به بیان مسائل گوناگون علمی و سیاسی و حقوقی به صورت گفتگو با فرزند خیالی خود احمد می‌پردازد. زبان طالبوف در همه این آثار، ساده و روان و طبیعی است و ایرج افشار معتقد است: «مقامی که طالبوف در تاریخ اخیر ایران یافته است، بیشتر بدان علت است که افکار جدید را خواه در زمینه آزادی و خواه از لحاظ مباحث علمی به زبان ساده در ایران نشر کرد. نوشته‌های خود را بی‌تکلف نوشت و سبک تازه‌ای در ادبیات فارسی به وجود آورد.»

درباره طالبوف و آثار و اندیشه‌های او، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است. یحیی آرین‌پور (۱۳۵۰) در جلد اول کتاب «از صبا تا نیما» در بخش ادبیات بیداری و نویسندگان و شنفکران مهاجر بیرون از ایران، درباره زندگی و آثار طالبوف تبریزی بحث می‌کند. فریدون آدمیت (۱۳۶۳) در کتاب *اندیشه‌های طالبوف تبریزی* پس از بحث مفصل درباره زندگی و آثار طالبوف به بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و انتقادی وی می‌پردازد. ایرج افشار (۱۳۳۰) در مقاله «طالباف» چاپ شده در مجله *یغما* که بعدها هم در *سواد و بیاض* (۱۳۴۵) و *مقدمه آزادی و سیاست* (۱۳۵۷) چاپ شد، درباره زندگی و آثار و اندیشه طالبوف بحث می‌کند. فاطمه حیدری و مهرداد نصرتی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل و بررسی سبک نگارش طالبوف بر پایه سه اثر *مسالک‌المحسنین*، *ایضاحات در خصوص آزادی* و *سیاست طالبی*» به بررسی سبک سه کتاب مذکور پرداخته‌اند. همچنین فاطمه حیدری و فاطمه صیدی (۱۳۹۲) در مقاله «سبک‌شناسی ساختاری دو اثر طالبوف: کتاب احمد و *مسالک‌المحسنین*» سبک این دو کتاب را بررسی کرده‌اند. تفاوت این مقاله با دو مقاله اخیر، آن است که در مقاله حاضر اولاً همه آثار طالبوف بررسی شده‌اند، نه بخشی از آن‌ها. ثانیاً در این آثار بر عوامل و عناصر پربسامد و سبک‌ساز و منتج به نتیجه تأکید و تمرکز شده است نه هر عنصر کم‌بسامد و گاهگاهی. از این منظر، پژوهش حاضر ضرورت دارد.

۱. احوال و آثار طالبوف

عبدالرحیم طالبوف تبریزی در سال ۱۲۵۰ هـ ق در کوی سرخاب تبریز به دنیا آمد. در شانزده سالگی تبریز را ترک کرد و به تفلیس که در آن زمان کانون روشنفکران و انقلابیان بود، رفت. در آنجا به کسب و کار مشغول شد و همزمان به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. طالبوف در کار و کسب خود توانست به موفقیت و تمول برسد و نزد حکام و علمای روسیه به درستکاری و راستی شناخته شد و پس از چندی به تمرخان شوره مرکز حکومت داغستان رفت و تا آخر عمرش در آنجا به عزت و احترام زیست (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۸۷ و ۲۸۸). طالبوف که از طریق زبان و ادبیات روسی از مسایل زمانه اطلاع یافته بود، از راه قلم و نوشته‌هایش در بیداری مردم می‌کوشید و آنان را به معایب حکومت استبدادی و لزوم برقراری مشروطه آگاه می‌ساخت و این همزمان بود با اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار که آزادی

و قانون خواهی بیش و کم در داخل و خارج از کشور از سوی روشنفکران مطرح می‌شد. نوشته‌های طالبوف را می‌توان «الفبای آزادی» نامید (همان: ۲۸۸). «او طرفدار مشروطیت و آزادی بوده است و در بعضی از تألیفات خویش کوشیده است ایرانیان را با نمونه‌هایی از نظام دموکراسی و حکومت قانون آشنا کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). طالبوف در دوره اول مجلس در سال ۱۳۲۴ هـ.ق به پاس خدماتش از سوی مردم آذربایجان به نمایندگی انتخاب شد و با اینکه پیشتر اعلام کرده بود که در صورت انتخاب، خواهد آمد و حتی به اقرار خودش «اسباب را چیده، تهیه سفر را دیده بود»، اما به دلایل متعدد از جمله مورد انتقاد قرار گرفتنش از سوی برخی علما و ضالّه خوانده شدن کتاب مسالک-المحسنین او، هرگز نیامد (ر.ک: آدمیت، ۱۳۶۳: ۹-۱۱؛ افشار، ۱۳۵۷: ۱۶ و ۱۷). او در اواخر سال ۱۳۲۸ یا اوایل ۱۳۲۹ هـ.ق در تمرخان شوره درگذشت. آثار تألیفی طالبوف عبارت‌اند از: سفینه طالبی یا کتاب احمد (۱۳۱۱ هـ.ق، چاپ استانبول)، مسالک‌المحسنین (۱۳۲۳، چاپ قاهره)، مسائل الحیات (۱۳۲۴، چاپ تفریس)، ایضاحات در خصوص آزادی (۱۳۲۵، چاپ تهران)، سیاست طالبی (۱۳۲۹، چاپ تهران). رساله فیزیک (۱۳۱۱، چاپ استانبول)، ترجمه رساله هیئت جدید (۱۳۱۲، استانبول) اثر کامیل فلاماریون، ترجمه پندنامه مارکوس (۱۳۱۰، استانبول) و خلاصه ناسخ-التواریخ با نام نخبه سپهری (۱۳۱۰، استانبول) آثار دیگر طالبوف است. (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۹۲)

«طالبوف در زبان و ادبیات فارسی تبحر و تحصیلات کافی نداشت و تنها در اثر کثرت مطالعه و اطلاع بر اوضاع دنیا از دریچه زبان و ادبیات روسی و ذوق و قریحه فطری و بیشتر در سایه انشای ساده و بی‌تکلف خود توانست سبک تازه و راه نوینی را در ادبیات فارسی به وجود آورد به طوری که باید او را یکی از بنیادگذاران نثر جدید فارسی به شمار آورد.» (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۹۸). او در نامه‌ای به سال ۱۳۱۶ هـ.ق به میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک می‌نویسد: «بنده به زبان روسی آشنا هستم، فرانسه نمی‌دانم و خط روسی را بسیار بد می‌نویسم، خط ایرانی طبیعی بنده نیز تعریفی ندارد. عربی را هیچ بلد نیستم، فارسی را معلوم است چنان می‌دانم که عرب فرانسه را. با وجود این از برکت کثرت مطالعه و زور مداومت، بعضی آثار محقر به یادگار گذاشتم که اخلاف بنده تکمیل نموده، بنده را مهندس انشای جدید بدانند.» (نقل از: همان، ۲۹۸ و ۲۹۹) منتقدی می‌نویسد: «سبک و زبان نویسنده کتاب احمد اثری قاطع بر تحولات بعدی نثر فارسی به‌ویژه در مطبوعات بر جای گذاشت: علی‌اکبر دهخدا که با طالبوف در مکاتبه بوده است، سرمشق کتاب احمد را در چرند و پرند که به الگوی نثر فارسی برای نسل‌های آینده بدل می‌گردد، پی می‌گیرد.» (بالایی و کویی پرس، ۱۳۷۸: ۴۰)

زبان نوشته‌های طالبوف با وجود آذربایجانی و ترک‌زبان بودنش و زیستن در محیط خارج از ایران، ساده و طبیعی و روان است، اما نثرش به حد کمال خود نرسیده و در آن نیم‌رنگی از پارسی‌نویسی دانشمندان ترک‌زبان دیده می‌شود و گاه اغلاط انشایی دارد و اسامی و لغات علمی بیگانه را بدون معادل فارسی از زبان روسی و ترکی با املا و تلفظ غیرمعمول نقل می‌کند. اما همه این‌ها با در نظر گرفتن دوری او از ایران و نیز تازگی داشتن بسیاری از این اصطلاحات علمی حتی در خود ایران و جا نیفتادن آن‌ها در زبان فارسی، قابل توجیه است و در مقایسه با بسیاری از معاصرین‌اش، علو مقام ادبی او آشکار است. ترجمه‌هایش نیز در بیشتر موارد ساده و قابل فهم است و مثلاً برخلاف گذشتگان خود به جای «تخمّر» و «تفسّخ»، ترشیدن و پوسیدن به کار می‌برد و در بیان مظاهر علمی غرب، تعبیرات شیرین فراوان دارد؛ چنان‌که صفحه گرامافون را «لوح محفوظ» و «موتور» را «ام‌الاسباب» می‌گوید (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۹۹) همه این‌ها را باید ویژگی سبکی نوشته‌های طالبوف دانست. «طالبوف از مروّجان معارف جدید و از پیشروان ساده کردن دانش و فن طبیعی است. نوشته‌های او در فلسفه اجتماعی و سیاسی در سطح خیلی برتری قرار دارند، دارای تفکر

فلسفی تحلیلی و نماینده سیاست عقلی است، افق فکری وسیع و روشن دارد. در گفتارهای سیاسی اغلب به آرای متفکران جدید استناد می‌جوید» (آدمیت، ۱۳۶۳: ۸). او کسی است که برای نخستین بار کتاب‌های علمی را به زبان ساده و حتی عوام‌فهم منتشر کرد و آثارش از بهترین نمونه‌های نثرنویسی جدید در دوران مشروطه است (آجودانی، ۱۳۸۵: ۷۶).

۲. متون مصور دوره قاجار

در دوره قاجار، کتاب‌های چاپ سنگی و مصور و سیاه و سفید در ایران منتشر شد که تمامی ویژگی‌های تصویر و تشعیر و دیگر شاخصه‌های نگارگری را در خود داشت. چون در تصویرسازی چاپ سنگی دقیقاً از سنت کتاب‌آرایی پیشین استفاده می‌شد و جدول‌کشی و تصویرگری و کتابت و سایر عناصر منشاء در آن داشت (آزند، ۱۳۷۱: ۹۷). دلیل دیگر موفقیت چاپ سنگی در ایران به ماهیت اجتماعی و فرهنگی آثار مکتوب مربوط می‌شود. ساختار ظاهری و صفحه‌آرایی کتاب‌های چاپ سنگی در ایران به طور مستقیم از شیوه تهیه نسخ خطی الهام گرفته است. کتاب‌های چاپ سنگی در آغاز صرف‌نظر از فقدان صفحه‌عنوان، فقط شامل متن و بدون هیچ‌گونه تزئیناتی بودند. این کتاب‌ها علاوه بر ارزش به عنوان اسناد علمی و فرهنگی، اغلب با خدمت گرفتن کاتبان، مذهبیان، تصویرسازان به مجموعه‌ای نفیس تبدیل شده‌اند. تزئینات یک کتاب شامل جدول‌ها، خطوط مشخص‌کننده ساختار متن، سرلوح‌های تذهیب شده تصاویر بوده است. هرکدام از عناصر تزئینی در کتاب‌های چاپ سنگی همچون نسخ خطی باید توسط گروهی از هنرمندان اجرا می‌شد. احتمالاً شیوه‌ی اجرای خوشنویسی، تذهیب و تصویر به روی کاغذ انتقال چاپ سنگی کم و بیش با روش به‌کار رفته در تهیه نسخ خطی مشابهت داشت (مارزلف، ۱۳۹۰: ۳۷). از منظر گونه‌شناسی کتاب‌های چاپ سنگی مصور وابسته به ادبیات هستند. این وابستگی از حوزه ادبیات کلاسیک فارسی تا ادبیات مذهبی و حماسه‌های عاشقانه و داستان‌های عامیانه را در بر می‌گیرد. تصاویر در کتب چاپ سنگی برگرفته از محیط و صحنه‌ها و رویدادهایی است که نقاش آن‌ها را به صورت ملموس درک کرده است. نقاشی‌های کتاب‌های چاپ سنگی به سه دسته تقسیم می‌شوند: نقاشی‌های عامیانه و واقع‌گرا، نقاشی‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای، نقاشی‌های مذهبی (اکبری و کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). یکی از مهم‌ترین کتاب‌های چاپ سنگی که در این دوره مصور شده؛ هزار و یک شب به تصویرگری میرزا علیقلی خوئی است. تاریخ پایان کتابت نسخه خطی هزار و یک شب در سال ۱۲۶۹ ه.ق. و به خط خوش نستعلیق «میرزا محمد حسین تهرانی» خوش‌نویسی شده است. متن نوشتاری نسخه در هر صفحه ۳۰ سطر (پشت و رو) و بین سطرها طلائاندازی شده و میان جداول کمند و زرین به ابعاد تقریبی ۲۷×۱۷ سانتی‌متر تحریر شده است. ابعاد نسخه در قطع رحلی به اندازه تقریبی ۴۵×۳۰ سانتی‌متر و مجالس نقاشی نسخه همراه با جداول مذهب و مرصع به ابعاد ۳۲×۱۸ سانتی‌متر در صفحه مقابل متن دست‌نویس (پشت و رو مصور) به تصویر درآمده است. در هر صفحه مصور ۳ تا ۶ مجلس و گاه ۷ مجلس نقاشی که به وسیله جداول مذهب مرصع متمایز شده، مشاهده می‌شود» (شب زنده‌دار، ۱۳۸۴: ۱۳۳). این اثر در عین سادگی در بردارنده نقوش زیبایی و گویایی است. تصویر شماره (۱) نمونه‌ای از این تصویرگری در متون ساده دوره قاجار است.



تصویر ۱: الف لیله و لیله، میرزا علیقلی خوئی، متون مصور دوره قاجار، تهران ۱۲۷۵ ه.ق. مأخذ: (مارزلف، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

در نگاره‌های ساده متون این دوره، ساختار متقارن بر اساس خطوط عمودی و افقی اصول ترکیب‌بندی را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که میرزا علیقلی خوئی در تصویرسازی صحنه رقص و طرب دختران درباری در محضر سلطان از ترکیب‌بندی متقارن بهره‌جسته است. تصویر شماره (۲) نمونه‌ای از این نگاره‌ها در متون مصور دوره قاجار است.



تصویر ۱: لیله و لیله، میرزا علیقلی خوئی، تهران ۱۲۷۵ ه.ق. مأخذ: (مارزلف، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

۳. سبک‌شناسی

یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین و کامل‌ترین راه‌های بررسی متن، شیوه‌ای است که دکتر شمیسا در کتاب *کلیات سبک‌شناسی* پیشنهاد می‌دهد. او معتقد است که برای اشراف بر اجزای متن، باید متون از سه دیدگاه زبانی، فکری و ادبی مورد تحلیل قرار بگیرد تا ساختار متن با توجه به رابطه اجزا با یکدیگر به دست آید. سیروس شمیسا اثر ادبی را از سه جهت یا در سه سطح بررسی می‌کند:

- سطح زبانی: سطح زبانی سه سطح آوایی، لغوی و نحوی را دربر می‌گیرد. در بررسی‌های سطح آوایی موسیقی بیرونی و درونی، انواع سجع و جناس مورد توجه قرار می‌گیرد. در بررسی لغوی، لغات فارسی دخیل، کهنه‌گرایی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم معنی یا ذات، نوع گزینش واژه، نوع صفت و ... در متن موردنظر بررسی می‌شود و در مطالعه نحوی، به کوتاه یا بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری، وجوه افعال و ... توجه می‌شود.

- سطح فکری: در بررسی مختصات فکری یک اثر، به درونگرا یا برونگرا بودن اثر، شادی‌گرایی و غم‌گرایی، خردگرایی و عشق‌گرایی، نگرش فلسفی، عرفانی و کلامی شاعر و نویسنده، گرایش‌های ملی و مذهبی و ... توجه می‌شود.

- سطح ادبی: در بررسی مختصات ادبی، به بسامد لغاتی که در معانی ثانویه (مجازی) به کار رفته‌اند، توجه می‌شود. مسائل علم بیان از قبیل تشبیه و استعاره و سمبل و کنایه و بدیع معنوی از قبیل ایهام و تناسب و به طور کلی زبان ادبی اثر و انحراف‌های هنری و خلاقیت ادبی در زبان مورد توجه قرار می‌گیرد (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۱۶-۲۲۴). در این مجال است که می‌توان مصادیق مصور بودن ادبی را با توجه به بهره‌گیری طالبوف از صور خیال و صناعات ادبی مربوط به علم بیان مطرح و شواهد متعددی از آثار طالبوف، استخراج کرد و نشان داد. آنچه در مطالعات سبک‌شناسانه مسلم است، این است که هر اثر به مقتضای خود، توجه و دقت مخصوصی را می‌طلبد و در بررسی یک اثر نمی‌توان فهرست دقیق و کاملی از همه موارد مطرح‌شده ارائه کرد و در اثر به دنبال یکایک آنها گشت. همان طور که دکتر شمیسا می‌گوید: «سبک‌شناس با تجربه و کیاستی که دارد، در هر متن به دنبال نکاتی می‌گردد که قابل توجه باشد و منجر به نتیجه‌ای شود» (همان: ۲۲۱) گفتنی است که از سه سطح زبانی، فکری و ادبی، در این مقاله از بررسی سطح فکری آثار طالبوف چشم پوشیده‌ایم؛ چراکه آن می‌تواند موضوع مقاله‌ای مستقل باشد؛ بنابراین بررسی ما منحصر به سطح زبانی و ادبی آثار طالبوف است.

۵- ویژگی‌های سبکی آثار طالبوف

۵-۱- بررسی سطح زبانی

۵-۱-۱- سطح لغوی

۵-۱-۱-۱- استفاده از «به» به جای «برای» و «به خاطر»

- «بدهم معلم محمود به من الفبا بنویسد» (طالبوف، ۱۳۱۱: ۲۲).

- «وعده نمودید که از عید ... به من صحبت نمایید» (همان: ۳۲).

- «مگر هوای وطن ما ایران به تربیت شخص مستعد نیست؟» (طالبوف، ۱۳۱۲: ۸۶).

- «به او دختر خود را تزویج نمی‌کنند» (همان: ۹۲).

- «فردا به پسر عروس می‌آید» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۰۵).

- «اگر ما به مأموران موجب تعیین کنیم» (طالبوف: ۱۳۲۵: ۱۰۷).

- «سی کرور اشیاء نفیسه به دربار خریده و صرف سیاحی گردید» (طالبوف، ۱۳۲۹: ۲۱۸).

- احمد را به این بیانات حکیمانه آفرین گفتم (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۶۱).

- به آدم از خود حرفی نمی‌زنند (همان: ۲۳۸، پندنامه مارکوس)

- مکتوبی که باید امروز نوشته و به «پوسته» داده شود به فردا نماند (همان: ۲۵، کتاب احمد ج ۱)

- منتظر بودم ... به من نقل نماید (همان: ۴۲).

۵-۱-۱-۲- استفاده از «به» به جای «بر»

- «یکی از رجال پارسال به من وارد شد» (طالبوف، ۱۳۲۹: ۲۱۵).

- «آن‌ها به تبعه خود حاکم مطلق می‌کردند» (طالبوف: ۱۳۲۵: ۱۲۳).

- «پادشاه به تخت جلوس نمودند» (همان: ۹۱).

- «به من ناگوار آید» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۹).

۳-۱-۱-۵- استفاده از کلمات خارجی با تلفظ روسی و ترک

بایست راه ما را به سرعت «پوسته» (=پست) و حمل جراید را سهولت داد... لامحاله «پوسته» دخول و خروج پایتخت و بلاد معظمه را یومیه کرد (طالبوف، ۱۳۵۷: ۹۸، ایضاحات).

ذات اقدس را از «انتریک» (=دسیسه) درباری و «پروتشهر» (=وساطت و تملق) و تملق خائن آسوده خواهد داشت و ... علمای علم «سیتسوال» (=جامعه‌شناسی) ریزه‌چین ... موائد تعلیمات اداره «دیموکراتی» ایران و ... (همان: ۱۳۱ و ۱۳۲).

- نشر «سیویلیزاسیون» (=تمدن) و تزکیه ملت مستعد ایران (همان: ۱۳۷، سیاست طالبی)

- وضع قانون اساسی و تشکیل فیدیرانسیون (همان: ۱۵۶)

- اگر اینها اثر آن معلومات و «سولزاتسیون» و «کولتر» (=فرهنگ) نیست، پس چیست؟ (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۶۳، مسائل الحیات).

- در عالم ذر (ملیوکولر) آزادی ذرات مطلق ... (همان: ۱۸۷).

- گفت این را بدانید که من «کنسرواتور» (=سنت طلب) هستم. گفتم کنسرواتور یا لیبرال بودن ... (همان: ۲۰۲)

- جمهوریت «پلاتون» (=افلاطون) را تعاقب نکن. (همان: ۲۳۹، پندنامه مارکوس)

- مکتوبی که باید امروز نوشته و به «پوسته»

(=پست) داده شود به فردا نماند (همان: ۲۵، کتاب احمد ج ۱).

- سنگ چاخماق (=چخماق) (همان: ۳۰).

- استاتستیک (=آمار) گمرک‌خانه‌ها (همان: ۵۵)

- واگون (=واگون) قشنگی است (همان: ۷۳)

- پتربورغ (=پترزبورگ)، ویانه (=وین) (همان، ۹۴، کتاب احمد، ج ۲)

- آوروپا (=اروپا) را سیاحت کرد (همان: ۱۰۳)

- از استاتستیک (=آمار) وزارت داخله که رسماً اعلام شد ... (همان: ۱۱۸)

- مجلس سناتو (=سنا) (همان: ۱۲۸)

- پوسته و پوچط به جای پست (طالبوف، ۱۳۱۱: ۲۵)

- شاقلااد به جای شکلات (همان: ۴۲)

- قنال به جای کانال (همان: ۳۸)

- مخانیکی به جای مکانیکی (همان: ۴۹)

- شاتلند به جای اسکاتلند (همان: ۵۱)

- بالجیق به جای بلژیک (طالبوف، ۱۳۲۴: ۱۰۶)

- سیستوالیست به جای سوسیالیست (همان: ۱۲۳)

- قوتلیت به جای کتلت (طالبوف، ۱۳۲۳: ۳۶)

- گامیش به جای گومیش (همان: ۱۱۸)

۴-۱-۵ - تأثیرپذیری از نحو زبان ترکی

- هرچه زنجیر قایم است... (قایم= محکم) (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۲۴، ایضاحات)

- برای او خیلی یادگارهای قایم و محکم و بلند درست خواهند کرد (همان: ۱۲۸)

- احمد گفت: حالا که شما طرف حکمت مسئله را حالی نمی‌شوید، قدری بالا می‌رویم و شما را بیشتر به تردید می‌گذاریم. (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۶۵، مسائل الحیات)

- تا معایب او را حالی بشوید. (همان: ۱۹۵)

- منتظر بود که تحویل تمام شده عید مرا تبریک نماید (معادل ترکی تبریک ائتمک) (همان: ۳۲، کتاب احمد ج ۱)

- پسر آقامحمدحسین خدا نگهدار، خوب جوان است. (معادل ترکی: تاری ساخلاسی، یاخچو جواندی) (همان: ۶۸)

- در راه به آقامحمدرسول راست آمدم. (معادل ترکی راست گلدیم) (همان: ۶۸)

- ده من گندم را به یک قران خریدار نمی‌شود. (معادل ترکی اولمور: نیست) (همان: ۷۴)

- اطفال را بغل گرفتم. (همان: ۱۰۳، کتاب احمد، ج ۲)

- حاکم را می‌شمردند. (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۲۶)

- بادنجان سرخ را کاشتید. (معادل ترکی: قیرمیزی بادمجان= گوجه فرنگی) (طالبوف، ۱۳۲۹: ۲۱۱)

توضیح: بادنجان سرخ معادل ترکیب قیرمزی بادمجان (گوجه فرنگی) ترکی است.

۵-۱-۱-۵ - استفاده از کلمات خارجی همراه با ذکر معنی فارسی آنها

- بهتر از او «آکت» یعنی سند مشروطیت یا تعیین حقوق ملت نبوده (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۰۱، ایضاحات)

- اگر در اعمال و اقوال دایر منافع ملی «کرتیکه» تشریح معایب و محسنات نباشد... (همان: ۱۰۰)

- به قول بسمارک معروف اگر این تشریح و «کرتیکه» نباشد... (همان: ۱۰۰)
- احتیاج به محصل فرستادن و نهار حاکم را قدغن کردن و ... تفصیل «کومیچنی» دیگر ندارد. (همان: ۱۰۴)
- و در ضمن «گمناستک» ورزش بدنی بیشتر از آنچه معتاد است... (همان: ۱۲۹)
- تشکیل یک هیئت «فدرانسیون»... (همان: ۱۶۱، سیاست طالبی)
- آن‌ها منتها «آکتور» (مقلد تماشاخانه) بودند (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۳۹، پندنامه مارکوس)
- اگر سردار مملکتی را «سارمات» (فتح) نمود... (همان: ۲۴۰)
- علم حقوق و علم حیات (اکنوم) (همان: ۹۳، کتاب احمد، ج ۲)
- سیسوالیسم، (سوسیالیسم) علم اصلاح حالت فقرا و رفاهیت محتاجین (طالبوف، ۱۳۲۳: ۵۸)
- پاژار (این قوتلیت یا کوتلیت را از سینه مرغ درست می‌کنند و یکی از غذاهای لطیف فرانسوی است). (همان: ۸۸)
- کونفیدنسیال (محرمانه) (همان: ۲۶۹)
- ۲-۱-۵- بررسی سطح نحوی**
- ۱-۲-۱-۵- استفاده از مصدر «نمودن» به جای «کردن»**
- صدق قول بنده را اعتراف می‌نماید. (طالبوف، ۱۳۵۷: ۸۸، ایضاحات)
- در امر افتتاح مجلس تعجیل نمود (همان: ۹۴)
- ملت ما باید خود را به همت عالییه مهیا نماید (همان: ۱۲۸)
- حرکت مذبوحی می‌نمود (همان: ۱۳۹، سیاست طالبی)
- از انظار اروپ محو نمود (همان: ۱۴۵)
- تکمیل نواقص نماییم (طالبوف، ۱۳۵۶، ۱۵۸، مسائل الحیات)
- مسئله موت و حیات را حل نموده‌اند. (همان: ۲۳۱، پندنامه مارکوس)
- خود را در آرزوی پیدا نمودن لذایذ مشغول می‌دارند (همان: ۲۳۴)
- مرا مجبور نمود... آشنا خواهم نمود... جست‌وخیز نمود... وجد می‌نمود... مسخرگی می‌نمود ... چابکی‌ها می‌نمودند (همان: ۲۳، کتاب احمد ج ۱)
- خودکشی می‌نمایند (همان: ۹۹، کتاب احمد، ج ۲)

- آدم‌ها را کنار می‌نمود (=می‌زد) (همان: ۱۰۲)

- «غیرممکن را باید از نفت خود استخراج نمایم.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۰)

- «تغال می‌نمودند.» (همان: ۸)

- «آقا سخن مرا فصل نمود.» (همان: ۳۵)

- «احمد در اینجا سکوت نمود.» (طالبوف، ۱۳۲۴: ۷۲)

- «آقا رضا را تویخ نمی‌نمودید.» (همان: ۶۹)

- «واهمه نمودم.» (طالبوف، ۱۳۱۱: ۳۸)

- «چطور ضبط نمودند.» (همان: ۲۶)

- «مسئلت صحت و اقبال نمودم.» (طالبوف، ۱۳۱۲: ۹۱)

- «قدری تماشا نمودند.» (همان: ۱۰۰)

- «کاشتن تریاک را قدغن نمایم.» (طالبوف، ۱۳۲۵: ۱۰۵)

- «اما خود را نیز مخلوط نموده.» (همان: ۱۰۶)

- عرض اتحاد و معاونت و صفا نمودند. (طالبوف: ۱۳۲۹، ۱۴۵)

- ژاپون نقایص خود را تکمیل می‌نماید. (همان: ۱۶۶)

۲-۱-۲-۵- مطابقت صفت با موصوف بر مبنای دستور زبان عربی

- بلاد معظمه (طالبوف، ۱۳۵۷: ۹۸، ایضاحات)

- همت عالیه ... ملل متمدنه (همان: ۱۲۸)

- ملت متمدنه (همان: ۱۳۷، سیاست طالبی)

- ادله کاذبه (همان: ۱۳۸)

- دول کبیره (همان: ۱۴۱)

- سلطنت مطلقه مقتدره روسیه (همان: ۱۴۷)

- ادله مثبتیه ... ذرات حیه (طالبوف، ۱۳۵۶، ۱۵۸، مسائل الحیات)

- حوادث عادیه (همان: ۱۶۵)

- سلاطین عظام، نوایب متراکمه (همان: ۲۱۶، نخبه سپهری)

- خلقت‌های جدید (همان: ۲۳۷، پندنامه مارکوس)

- نصایح مفیده (همان: ۶۴، کتاب احمد ج ۱)

- صفت ممدوحه (همان: ۱۱۰، کتاب احمد، ج ۲)

- ملاحظه دقیقه (طالبوف، ۱۳۲۳: ۴)

- اقدامات مهمه و مخوفه (همان: ۹)

- قلوب مکدره (طالبوف: ۱۳۱۱، ۳۱)

- امراض مسریه (همان: ۳۶)

- تدابیر مؤثره (همان: ۵۱)

- اجساد مایعه (همان: ۵۲)

- وظیفه مأموره (طالبوف: ۱۳۱۲، ۹۲)

- مکاتب جدید (همان: ۹۳)

- مملکت مغصوبه وسیعه (همان: ۹۶)

- اطلاعات بالغه (طالبوف، ۱۳۲۹: ۱۹۶)

- دولت مستقله (طالبوف: ۱۳۲۵، ۹۸)

- معاهده جلیله (همان: ۹۸)

- مکتب ابتدائیه رشديه ملكيه صناعيه (همان: ۱۲۸)

۳-۲-۱-۵- استفاده از ضمیر «او» برای غیر انسان

- هرچه به عقل‌شان گنجید، او را برای مردم چون کلمات آسمانی واجب‌الاذعان شمارند (طالبوف، ۱۳۵۷: ۸۸، ایضاحات)

- فقر روحانی و جسمانی ملت ایران تا حدی رسید که در تاریخ امم تاکنون هیچ قلم نظیر او را رقم ننموده. (همان:

۹۱)

- آنچه باید از او مالیات گرفت پنج فقره است... (همان: ۱۲۶)

-اداره مملکت با قانونی است که او را پادشاه وضع نموده (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۹۵، مسائل الحیات)

-چون یکی از خواص عقل آزادی است، او (آزادی) تو را همیشه آزاد می‌دارد... تو او را مقید... نکنی (همان: ۲۳۷، پندنامه مارکوس)

-گفت این صندوقچه من است که چندین سال در سر جمع‌آوری او زحمت کشیده‌ام. (همان: ۷۸، کتاب احمد، ج ۱)

-معدن یخ شمال او (قله دماوند) را مشاهده بکنیم (طالبوف: ۱۳۲۳، ۴).

-به‌واسطه او (قانون) هر کسی از مال و جان خود مطمئن است. (همان: ۴۲).

-رهایی معنی او (آزادی) را جزو حفظ شرف می‌دانند (طالبوف: ۱۳۲۵: ۱۱۴).

-سررشته او (عقیده) در عمق... ناپدید است (طالبوف: ۱۳۲۹: ۱۹۵).

-و وقت است او (قانون) را معمول می‌داشتیم (طالبوف: ۱۳۱۲: ۱۳۵).

۲-۵- بررسی سطح ادبی

۱-۲-۵- استفاده از ضرب‌المثل و کنایه و ...

-«آنچه از بار افتاد، از کار افتاد» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۵۱).

-«این زندگی ما کرایه مردن نمی‌شود» (همان: ۱۵۶).

-«آدم‌های ما به چوب گوشت می‌دهد؛ اما به نظم و ترتیب گوش نمی‌دهد» (همان: ۲۱۱).

-«شعور و کفایت به چه کار، زر یک مرد بیار» (همان: ۱۳۸).

-«آن وقت پوستین به دباغی‌اش نیرزد» (همان: ۱۹۸)

-به این بنده مرقوم فرموده بود که: «و کلا در واقع یدبضا می‌نمایند» (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۰۲، ایضاحات)

-در یک مملکت دو حکومت نمی‌شود. «کوسه و ریش پهن در عالم نیست» (همان: ۱۲۰).

-اما در کمال شعف عرض می‌کنم «آن سبو بشکست و آن پیمان ریخت» (همان: ۱۴۱، سیاست طالبی)

-در این مورد عصبیت شما از معلومات سیاسی شما فزون‌تر می‌نماید. بلی «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» (همان: ۱۶۵)

-هرکس برای خودش عقلی دارد. نان را به گوش نمی‌برد. (نمی‌خورد) (طالبوف، ۱۳۵۶: ۶۸).

۲-۲-۵- استشهاد و تلمیح به آیات و اشعار و ...

-فقر روحانی و جسمانی ملت ایران تا حدی رسید که در تاریخ امم تاکنون هیچ قلم نظیر او را رقم ننموده: فسیعلم‌آلذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون. (شعرا/ ۲۲۷) (طالبوف، ۱۳۵۷: ۹۱، ایضاحات)

- «و یملاء الله الارض قسطا و عدلا» در معنی خود ظهور نماید (همان: ۹۳)
- در امر افتتاح مجلس تعجیل نمود تا دعوت «ارجعی الی ربک» این سند افتخار را... (همان: ۹۴)
- هر ایرانی که سلطان پرست نباشد، کافر امر و «اولی الامر منکم» می باشد (همان: ۱۳۲).
- «و عسی أن تحبوا شیئا و هو شرّ لکم» (همان: ۱۴۴، سیاست طالبی)
- آتش را قوه گداختن داده و در تعلیم استفاده او «و ألتا له الحدید» (سبا/ ۱۰) فرموده. (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۶۵، مسائل- الحیات)
- «إذا أراد الله أمرا هیاء أسبابه» در معنی خود بروز نمود. (همان: ۲۰۱)
- حالت او تا دقیقه «ارجعی الی ربک» همیشه یکسان است (همان: ۲۲۹، پندنامه مارکوس)
- به ترویج فروش مال قلب اجانب کوشیدند «ذالک هو الخسران المبین» (حج/ ۱۱) (همان: ۹۵، کتاب احمد، ج ۲)
- آن وقت دین از دست ... بیرون می رود «فسیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون» (شعرا/ ۲۲۷) (همان: ۱۰۰)
- و از خواب غفلت بیدار نمی شوند «حتی تأتیهم الساعه بغته او یأتیهم عذاب یوم عظیم» (حج/ ۵۴) (همان: ۱۰۴)
- ما را بی همه علم و مساعی «ما تشتهی الا نفس و تلذ الاعین» (زخرف/ ۷۱) در بن دندان است ... سایر ملل روی زمین معتقد «لیس للإنسان إلا ما سعی» (قمر/ ۴۰) هستند ما منکر نص آیه شریفه (همان: ۱۲۳)
- و له عشر امثالها (آن که نیکی کند) ده چندان به او دهند. (انعام/ ۱۶۰) (طالبوف، ۱۳۲۳: ۸۹)
- «تکالیف خدا بر بندگان به وسع طاقت نفوس ایشان است» (همان: ۵۸) اشاره دارد به آیه ۲۸۶ سوره بقره: لَأ یكفُ اللهُ نفساً إلاّ وسعها.
- یقولون بالسنتهم ما لیس فی قلوبهم (فتح/ ۱۰) (همان: ۱۷۷)
- وگرنه هر روز وعده بی مدت احکام بی نفوذ و فرامین شاه طهماسبی برای چیست؟ «خوش بود گر محک تجربه آید به میان.» (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۲۱، ایضاحات)
- ملت ما باید خود را به همت عالیه و ... مهیا نماید تا داخل جرگه ملل متمدنه گردد. «تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف» (همان: ۱۲۸)
- برای او خیلی یادگارهای قایم و محکم و بلند درست خواهند کرد «که از باد و باران نیابد گزند» (همان: ۱۲۸).
- تا اینکه معلوم شد «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۳۰).
- بنای عالی و دارالعداله محکم است «که از باد و باران نیابد گزند» (همان: ۱۴۶، سیاست طالبی)

- «دارم امید که آن هم ز میان برخیزد» (همان: ۲۱۷، نخبه سپهری)

- از کجا به کجا شدیم. حقیقت جمله معترضه شد. چه کنم «از کوزه همان برون تراود که در اوست» (همان: ۲۱۶)

- اقلأ ذل احتیاج را هم نفهمیم! «وای اگر از پس امروز بود فردایی» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۱۳).

۳-۲-۵- تشبیه

- مردم در زندگی به سگان می‌مانند که بر سر استخوانی یکدیگر را می‌درند (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۳۳).

- عالم به امواج توفانی می‌ماند که علی‌الاتصال پی‌درپی برسد و معدوم گردد (همان: ۲۳۱).

- زندگی یعنی دویدن از پی احترام و لذایذ خود در روی پل باریکی که از وی ازدحام الوانی عبور و مرور می‌کند و حالت عابرین یا به هنگامه مبارزت می‌ماند، یا به گله سگ که برای سر استخوانی همدیگر را می‌درند، یا ماهی زیاد که در آب برای بلعیدن ذره‌ای نان به هم مسارعت می‌نمایند، یا مورچه‌هایی که مرده مگس را به غذای خود می‌کشند (همان: ۲۳۴)

- عالم به سیل مهیبی می‌ماند که حیات مردم را غرق می‌نماید (همان: ۲۳۹).

- تو در این عالم مثل بازیگری، هر وقت وعده تو تمام شد، حسابت را می‌دهند (همان: ۲۴۱).

لازم به توضیح است که تشبیه تنها در پندنامه مارکوس بسامد زیادی دارد و علت آن شاید به ترجمه بودن کتاب و موضوع و ماهیت زهدی و معنوی بودن آن برمی‌گردد و اینکه مارکوس از تشبیهات و تمثیلات برای محسوس‌تر کردن مسایل و موضوعات استفاده کرده است. در بقیه کتاب‌ها به دلیل تعلیمی بودن‌شان، طالبوف از زبانی ساده و بی‌پیرایه و به دور از آرایه‌های ادبی استفاده کرده است.

۴-۲-۵- سجع

- بی‌نوکر و دواب، رهسپار طریقه صواب بشویم (طالبوف، ۱۳۲۳: ۵۸).

- برای زاد راه هرکس هرچه دارد، او را با خود بردارد (همان: ۵۸).

- در نزد عزم رجال مستقیم‌الاقوال قلع جبال و خرق غریال یکسان است (همان: ۶۴).

- تا اینکه ماحضر هر چه غیر از قند و چایی بود، طعمه شیر یعنی لقمه درویش بی‌پیر گردید (همان: ۸۰).

- جبال مرفوعه براندازند و سلاسل معادن برافرازند (همان: ۱۳۳).

- وظیفه عالم بیغرض تربیت ارواح جاهله و نفوس کاهله است (همان: ۱۹۰).

- ما اول کار زمین را بسازیم بعد به آسمان بپروازیم! (همان: ۲۸۰).

- از آن جهت محبوب ماست نه معبود ما و امتیاز او سکه دانانیر و خطبه منابر می‌باشد (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۵۸، سیاست طالبی)

- هر جا قانون اساسی نیست تعبد کورانه، تقلید بی‌شعورانه و رعب وحشیانه است (همان: ۱۵۹).

- عوض این سخنان زایده و قسم‌های بی‌فایده... (طالبوف، ۱۳۵۶: ۶۷).

سجع‌پردازی در آثار طالبوف کم است و نسبتاً در مسالک‌المحسنین بسامد بیشتری دارد و می‌تواند ویژگی سبکی این کتاب به شمار آید.

نتیجه‌گیری

ساده‌نویسی ویژگی اصلی نثر دوره بیداری و نیز نثر آثار طالبوف تبریزی است. هرچند یکدستی این ساده‌نویسی در آثار وی تاحدی به دلیل اصرار وی در استفاده از کلمات غربی، تأکید بر نشان دادن عربی‌دانی و تعلق خاطرش به سجع‌پردازی در برخی آثارش از دست رفته است. در آثار طالبوف، دو نفر ضمن گفت‌وگو با هم، نگاهی انتقادی به اوضاع ایران و جهان دارند و همین خاصیت گفت‌وگویی و گاه تعلیمی، نثر او را ساده کرده است. اساساً توجه به گفت‌وگو برای انتقال دانسته‌ها، شیوه‌ای است که در آثار این دوره غالباً به چشم می‌خورد و این روش در «کتاب احمد» طالبوف که رویکردی تربیتی دارد، هم باعث سادگی نثر شده و هم بار تعلیمی آن را بالا برده است. در بررسی ویژگی‌های سبکی آثار طالبوف در سطح زبانی مشخص شد که وی از کلمات و اصطلاحات خارجی به‌وفور استفاده کرده و گاه معادل‌های فارسی برای آن‌ها برگزیده است. ترجمه لفظ به لفظ اصطلاحات و عبارات ترکی به فارسی، استفاده از کلمات خارجی با تلفظ روسی یا ترکی، مطابقت صفت با موصوف به سیاق زبان عربی، کاربرد ضمیر «او» برای غیرانسان و استفاده از «به» در معنی «برای» از دیگر ویژگی‌های زبانی پربسامد در آثار طالبوف است. در سطح ادبی نیز اقتباس و استشهادهای قرآنی و بهره‌گیری از ضرب‌المثل برای تبیین موضوع، ویژگی سبکی آثار وی است. همچنین باید دوباره تأکید کرد که طالبوف، در عصری زندگی می‌کند که به شهادت آثار مصور متعدد در عصر قاجار، به لحاظ بهره‌مندی متون از تصویر، عصر متمایزی است و رواج «چاپ سنگی یا لیتوگرافی از آخرین شیوه‌های هنر ایرانی متداول در دوره قاجار است و گسترش آن مجموعه متعدد آثاری را فراهم آورد که در شکل‌گیری فرهنگ تصویری آن دوران نقش موثری داشتند. (جباری و مراثی، ۱۳۹۲: ۵۸). غنی کردن این گنجینه تصویری در ادبیات، علاوه بر منقوش شدن صفحات کتاب‌های مختلف، همان‌طور که در ابتدای این مقاله گفته شد، در حوزه زبان بر عهده صناعات ادبی برآمده از حوزه صور خیال است که در علم بیان بدان پرداخته می‌شود. طالبوف را از این حیث، می‌توان یکی از تصویرگرانی دانست که با بهره گرفتن از صنایعی مانند تشبیه و استعاره و مجاز، سجع و... در برخی آثارش به‌رغم شیوه معمول ساده‌نویسی‌اش، به تصویرگری در زبان دست زده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتاب‌ها

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۵). *یا مرگ یا تجدد*، چاپ سوم، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۶۳). *اندیشه‌های طالبوف تبریزی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دماوند.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*، چاپ پنجم، تهران: زوار.
- آزند، یعقوب. (۱۳۷۱). *نگارگری ایرانی*. ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، تیمور؛ کاشانی، پوریا. (۱۳۸۸). *تاریخ هنر نقاشی و مینیاتور در ایران*. تهران: انتشارات سبحان نور.
- بالایی، کریستف؛ میشل کویی، پرس. (۱۳۷۸). *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی*، ترجمه احمد کریمی حکاک، چاپ اول، تهران: انتشارات معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- شب‌زنده‌دار، محمد. (۱۳۷۲). *گزیده افسانه‌های هزار و یک شب*، تهران: انتشارات ناس و گل.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*، چاپ اول، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *کلیات سبک‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: میترا.

مقالات

- جباری، فاطمه؛ مراثی، محسن. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی تصاویر نسخ چاپ سنگی و کاشی‌های مصور دوره قاجار»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۱، ص ۶۸-۵۷.
- حسینی‌راد، عبدالمجید؛ خان‌سالار، زهرا. (۱۳۸۴). «بررسی کتاب‌های چاپ سنگی مصور دوره قاجار»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص ۸۶-۷۷.
- سرودی، سرور. (۱۳۸۳). «سیر مشروطه‌خواهی در ادبیات»، در *انقلاب مشروطیت؛ سری مقالات دانشنامه ایرانیکا*، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، صص ۱۷۵-۱۶۳.
- طالبوف، عبدالرحیم. (۱۳۵۶). *کتاب احمد (۳ جلد باضافه رسالات و...)*، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، چاپ دوم، تهران: شبگیر.
- _____. (۱۳۵۷). *آزادی و سیاست (ایضاحات درخصوص آزادی و سیاست طالبی)*، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: انتشارات سحر.

- ____، ____ . (۱۳۱۰). نخبه سپهری، استانبول، مطبعه اختر.
- ____، ____ . (۱۳۱۰). پندنامه مارکوس، استانبول، مطبعه اختر.
- ____، ____ . (۱۳۱۱). رساله فیزیک، استانبول، مطبعه اختر.
- ____، ____ . (۱۳۱۲). رساله هیئت جدید، استانبول، مطبعه اختر.
- ____، ____ . (۱۳۲۹). سیاست طالبی، تهران: آگه.
- ____، ____ . (۱۳۱۱). سفینه طالبی یا کتاب احمد (ج ۱)، استانبول: مطبعه اختر.
- ____، ____ . (۱۳۱۲). سفینه طالبی یا کتاب احمد (ج ۲)، استانبول: مطبعه اختر.
- ____، ____ . (۱۳۲۴). مسائل الحیات (جلد سوم کتاب احمد)، تفریس.
- ____، ____ . (۱۳۲۳). مسالک المحسنین، قاهره.
- ____، ____ . (۱۳۲۵). ایضاحات در خصوص آزادی، تهران: نو.
- مارزلف، اولریش. (۱۳۹۰). تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی. تهران: انتشارات نظر.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۳). صد سال داستان‌نویسی ایران، چاپ سوم، تهران: چشمه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی